

در نشست تخصصی «مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی» مطرح شد

# مرجعیت علمی در نسبت با مسائل جامعه اتفاق می افتد

مظهوره سادات قاسمی خبرنگار گروه دانشگاه

مساله مرجعیت علمی از سال ۱۹۴۵ مطرح شد و از جنگ جهانی دوم به بعد شدت گرفت و اختلاف نظرها پیرامون این موضوع که علم اهمیت بیشتری دارد یا دانشمندان باید در اولویت قرار بگیرند در برهه‌هایی از تاریخ به اوج خود رسیده بود و تا جایی پیش رفت که دانشمندان بعضا به دربارها راه یافته و مناصب دولتی زیادی به دست آنها می‌افتد. در کشورمان نیز رسیدن به مرجعیت علمی برای اولین بار از سال ۱۳۸۴ به‌عنوان مطالبه از سوی مقام معظم رهبری مطرح و تاکید شد جامعه باید بتواند از علم افراد استفاده کند. بعد از آن بود که مقالات و تحقیقات زیادی در حوزه وزارت بهداشت و آموزش عالی پیرامون چگونگی مرجعیت علمی منتشر شد و تا امروز هم گفت‌وگوهای زیادی پیرامون این مساله از سوی اساتید مختلف دانشگاهی شکل گرفته است. در همین زمینه هشتمین جلسه از ساسله نشست‌های تخصصی نخستین همایش ملی مرجعیت علمی با موضوع مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی از سوی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. در این نشست سیدسروش قاضی نوری نائینی، رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و ۱۳ تن از اعضای هیات علمی این دانشگاه حضور داشتند که در ادامه گزیده‌ای از صحبت‌های آنها را می‌خوانید.

### حق مطلب در حوزه مرجعیت علمی ادا نشده است

**سیدسروش قاضی نوری نائینی، رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور:**

من بیشتر قصد دارم درباره داستان مرجعیت علمی و همایش ملی مرجعیت علمی که انتهای این ماه برگزار خواهد شد، گزارشی ارائه بدهم. از سال ۸۴ مقام معظم رهبری با مطالبه‌ای مبنی بر اینکه برای دانش باید سرغام ما ایرانی‌ها بیشتر شود، مطرح کردند. البته من اندکی متفاوت فکر می‌کنم و معتقدم این واژه، جهانی نیست. چراکه مرجعیت علمی تا امروز تحت عناوینی مانند لیدرشیپ و آئوریکی مطرح شده و در این سال‌ها مقام معظم رهبری بارها این موضوع را تکرار کرده‌اند. اما علی‌رغم تکرار زیاد مفهوم مرجعیت علمی توسط ایشان و اینکه تقریبا در تمام اسناد بالادستی حوزه علم و فناوری این مساله آمده، فکر می‌کنم تا امروز آن چیزی که حق موضوع است را ادا نکرده‌ایم.

مرجعیت علمی در سه لایه طرح و بررسی شده است. با این حال تا امروز حتی درمورد چیستی مرجعیت علمی در کشور کار نشده است. باید این مساله را مدنظر قرار داد؛ دانشگاه‌های کشور باید مرجعیت علمی از سخنرانی‌هایشان بیان کردند. این بود که خوب است آدم دنباله‌رو علم باشد. واگنی از قطار علم وجود داشته باشد با این حال پیروی از بزرگان در حوزه علم بد نیست، اما مرجعیت علمی یعنی لوکوموتیو علم بودن و پیشرو مسائل علمی بودن که باید به آن توجه شود.

از سال گذشته دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری به صورت جدی این بحث را از نهادهای مختلف مطالبه و جلسات مختلفی با دانشگاه‌آزاد، وزارت علوم، آموزش و پرورش و... برگزار کردند. همچنین زمستان سال گذشته ۱۴ تن از روسای دانشگاه‌های وزارت علوم در دفتر نشر آثار جلسه‌ای داشتند که نکات خودشان را در سه سطح چیستی، چرایی و چگونگی مرجعیت علمی بیان کردند. در همان جلسه توافق شد که امسال یک همایش مرجعیت علمی با حضور تمام نهادهای ذی‌ربط درباره مرجعیت علمی سازماندهی شود و مسئولیت آن نیز به مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور واگذار شد.

### همایش ملی مرجعیت علمی در ۴ محور برگزار می‌شود

برای این همایش سعی کردم چهار محور در نظر بگیرم و فراخوان دریافت مقاله منتشر کردم تا هر فردی در دانشگاه‌های کشور اگر نظری در این باره دارد، بتواند آن را در قالب مقاله ارسال کند. تا امروز نیز حدود ۳۰ مقاله در این حوزه ارسال شده است. همچنین ما به ۴۰ تن از صاحب‌نظران این حوزه سفارش مقاله دادیم که ۲۴ نفر آن را قبول کردند. نشست‌هایی را برنامه‌ریزی کردم و گفت‌وگوهای تصویری با اندیشمندان و بزرگان این حوزه سازماندهی کردم و در نهایت امیدواریم همه این محتواها در پتل‌های کنفرانس مورد بحث قرار بگیرد. ساختار نشست‌های ما به این شکل بود که در دو محور کارکردی و موضوعی جلسه برگزار کردیم که مسئولیت برگزاری آن را نیز خود دستگاه‌های متولی آن حوزه برعهده گرفتند. برای مثال فرهنگستان هنر مسئولیت سازماندهی نشست مرجعیت فرهنگ و هنر را پذیرفت. ما در تلاشیم همه محتوایی که در نشست‌ها و مقالات فراهم می‌شود را در سندی با عنوان نقشه راهبرد دستیابی به مرجعیت علمی سازماندهی کنیم که این نقشه چهار لایه خواهد داشت. سطح بالاتر مربوط به دستاوردهایی است که مرجعیت علمی باید برای جامعه داشته باشد و بحث تمدن نوین اسلامی-ایرانی را که بدون مرجعیت علمی امکان‌پذیر نیست، دنبال می‌کند.

یک لایه هم مربوط به شاخص‌ها، یرون‌داده‌ها و خروجی‌ها است؛ در کشور درباره این مساله بحث‌های زیادی وجود دارد که اساسا مرجعیت علمی را چگونه باید اندازه گرفت. لایه سوم مربوط به فرآیندهای مرجعیت مانند همین فرآیندهای تحقیقاتی، دکتری و پس‌دکتری در آموزش عالی است. یک لایه دیگر که بحث ملی است و نه صرفا علمی است به موضوع زیرساخت‌ها مرتبط می‌شود؛ زیرا اگر ما در حوزه علم می‌گوییم که قسمتی از این حوزه بحث دیپلماسی و تبادلات علمی با دنیاست، حتما نظام امنیتی-سیاسی ما نیز باید این را درک کرده باشد که لازم است دانشمندان مان با دنیا ارتباط برقرار کنند تا از این طریق بتوانیم تبادلات علمی داشته باشیم.

### حضور دانشمندانی که وقف علم باشند، لازمه دستیابی به مرجعیت است

**پام حنفی‌زاده، پژوهشگر برتر در حوزه علوم انسانی:**

نکاتی که عرض می‌کنم نظرات شخصی من است. می‌خواهم از قسمت مرجعیت علمی شروع کنم و فکر می‌کنم که دو تصور درباره چیستی مرجعیت علمی می‌تواند وجود داشته باشد. یک برداشت عوام‌گانه و سطحی این است که در همه حوزه‌های علوم

انسانی و اجتماعی یک مرکز و موسسه پژوهشی یا دانشگاه و حتی یک کشور بخواهد سرآمد یا پیشرو باشد. برای مثال نمی‌توان گفت دانشگاه هاروارد می‌تواند در تمام حوزه‌های علوم انسانی سرآمد باشد؛ چراکه این یک دیدگاه ایده‌آلیستی است و قاعدا در دنیای واقعی هم تحقق پیدا نمی‌کند. اما دیدگاه دوم می‌تواند این باشد که یک پژوهشگاه یا کشوری می‌خواهد در گفت‌مان علمی مشارکت داشته باشد. به نظرم اگر ما می‌خواهیم ادعا کنیم که مفهومی از مرجعیت علمی می‌سازیم، به این معنا است که نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات آن دانشگاه یا کشور آتقدردارای اهمیت است که دانشمندان دیگر وقتی می‌خواهند پژوهش جدید انجام دهند از تحقیقات آن کشور یا موسسه استفاده می‌کنند یا به آن ارجاع می‌دهند.

موضوع دیگر اینکه ما دو نوع تحقیق داریم و می‌توان گفت اکثر محققان فالوریو یا دنباله‌رو هستند اما برخی از محققان یا نهادهای علمی هم هستند که به صورت نوازآرانه به جای آنکه دنباله‌رو باشند، به عنوان پیشرو محسوب می‌شوند. این افراد و موسسات زمینه‌های علمی را ایجاد یا مفاهیم و نظریه‌هایی مطرح می‌کنند که به نقطه عطف تبدیل می‌شود. این نوع تولیدات می‌توانند بر جریان ادبیات پژوهش‌ها تاثیرگذار باشند و باعث می‌شود تا تحقیقات بعدی شکل بگیرد. نگاه دومی هم درباره مرجعیت علمی وجود دارد که طبق آن، ما نیاز به دانشمندانی داریم که آنها خودشان را وقف کار علمی و پژوهشی کنند. متاسفانه قرائت‌هایی در حوزه علمی بیان می‌شود که به نظر من برخی از آنها بار سیاسی داشته و جریان علمی را منحرف می‌کند که شاید به دلیل ورود افراد نامتخصص در این حوزه است که البته وارد این بحث نمی‌شوم. فکر می‌کنم اگر دانشگاه علامه طباطبایی می‌خواهد وارد مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی شود در ابتدا باید به یک خودشناسی رسیده و به‌طور جدی استعداد‌های خودش را بشناسد. یکی دیگر از موضوعات نقد و انتقاد بی‌رحمانه است. نقد به‌تنهایی به فرآیند تعمق تفکر و شناخت نکات ضعف کمک می‌کند. ما خوب بلدیم که مقالات را بگونه‌ای تولید کنیم که یک فرد متخصص در حوزه علوم انسانی آن را درک کند اما صنعت ما نمی‌تواند از آن بهره‌بردد، برای اینکه نتیجه تولیدات علمی در جامعه را نشان دهیم پیشنهاد می‌کنم اساتید سالانه یکی از نتایج تحقیقات سالانه خود را برای مخاطب آن حوزه ارائه دهند. همچنین باید در استخدام اعضای هیات علمی دانشگاه دقت کنیم تا استادهایی جذب دانشگاه شوند که عشق شان معلمی و کار علمی است نه کسانی که دانشگاه را سکوی برای مسئولیت گرفتن در صنعت می‌بینند. روش تحقیق در پژوهش‌ها بسیار اهمیت دارد که در آن ضعیف هستیم، باید برای اساتید دوره‌های مختلف برگزار کرده و آن را به حوزه پژوهش متمایل کنیم. درحال حاضر زبان انگلیسی زبان غالب علم است به همین دلیل اگر با زبان فارسی بهترین نظریه علمی را هم مطرح کنیم در دنیا کسی متوجه آن نمی‌شود، پس باید با زبان انگلیسی وارد گفت‌مان علمی دنیا شویم.

### مرجعیت علمی به‌صورت طبیعی هم رخ می‌دهد

**سیدمهدی الوانی، عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلانی ایران**

مرجعیت علمی به‌طور طبیعی خودش را نشان می‌دهد؛ چراکه افراد زیادی در حوزه‌های مختلف به یک نفر رجوع می‌کنند و آن فرد به مرجع تبدیل می‌شود که به این اتفاق ارزیابی همگنان می‌گویند. یعنی نیازی نیست مکانیسمی برای پیدا کردن مراجع بسازیم. من فکر می‌کنم همین اتفاق برای مرجعیت رخ خواهد داد. اساتید نباید صرفا مقاله تولید کنند، بلکه باید شاگردهای خوب تربیت کند. می‌خواهم بگویم مرجعیت علمی به‌صورت طبیعی رخ می‌دهد و باید سعی کنیم کسانی که مرجع واقع می‌شوند را تربیت کنیم. نیازی نیست تئوری‌های خودمان را به واقعیت تحمیل کنیم. حتی نوع معیارهایمان برای مرجعیت علمی نیز درست نیست. صرفا باید فرآیند مرجعیت علمی را تسهیل کنیم.

### سیاست وزارت علوم بن بست علمی ایجاد می‌کند

**عباس عباس پور، استاد رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر برتر:**

شعار دانشگاه ما در رویکرد راهبردی که برای خود در نظر گرفته مرجعیت علمی در علوم انسانی بوده و چشم‌اندازش را دستیابی به مرجعیت علمی علوم انسانی قرار داده است. طبیعتا پریش اساسی ما این است که دانشگاه می‌خواهد از لحاظ سرآمدی در چه سطحی قرار بگیرد و چه آینده‌آرمانی در حوزه علوم انسانی برای خود در نظر گرفته است. به این ترتیب برای ما مهم است که مبتنی بر یک تحلیل کلان‌مقیاسی بینیم چقدر به عنوان واقع‌گرایانه به موضوع نگاه کنیم و این آرمان تا چه حد در چهارچوب فرهنگ، ارزش و باورهایمان می‌تواند تامین‌کننده ذی‌نفعان باشد و خلاقیت را برای کار ما تحریک کند. سوال دیگر اینکه تا چه زمانی می‌خواهیم دست روی دست هم بگذاریم و ظرفیت اثربخشی علوم انسانی و اجتماعی در حل مسائل کشور و مداخلات ناپخته را دست‌کم بگیریم؟ ما می‌بینیم که در دنیا نیز علوم انسانی به‌عنوان علم ناموفق و نرم شناخته شده و حتی بخش بسیار اندکی از بودجه علوم به علوم انسانی اختصاص می‌یابد. همچنین اقداماتی که تا الان در کشور در این حوزه انجام ناظر بر دستیابی به مرجعیت علمی نیست. شاید بهتر است قبل از اینکه بگوییم مرجعیت علمی چیست مشخص کنیم که مرجعیت علمی چه چیزی نیست. طی سالیانی که از طرح موضوع مرجعیت علمی توسط مقام معظم رهبری می‌گذرد ما همچنان با ابهام معنایی و مفهوم‌شناسی این مساله مواجه هستیم. نکته دیگر اینکه سیاستی که در وزارت علوم اتخاذ می‌شود دقیقا بن بست علمی ایجاد می‌کند. اگر مرجعیت علمی به‌مثابه پیشگامی و مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی دانشگاه است باید بتواند مزیت‌های نسبی را تبدیل به مزیت‌های رقابتی کند و شاید نیاز باشد در این باره به چند پرسش پاسخ دهیم که من در این باره هشت سوال کلیدی را یادداشت کرده‌ام. چه کسی یا چه کسانی سکاندار مرجعیت علمی دانشگاه هستند؟ چه کسانی باید در مسیر مرجعیت علمی تاثیر بپذیرند و تربیت شوند؟ اصلا چرا مرجعیت علمی مهم است؟ با چه سازوکاری

می‌خواهیم مرجعیت علمی را پیاده‌سازی کنیم؟ شاید برای دستیابی به این هدف نیازمند آن هستیم که بویایی روابط‌مان را طبق تفکر راهبردی بازنویسی کنیم و نسبت به فرآیندهای کار دانشگاهی بر اصلاح کاستی‌هایمان بیش از گذشته حساس باشیم. گاهی اوقات برای این قاعده نیاز به انجام جراحی در این حوزه داریم. ما امروز دغدغه‌هایی داریم و موضوع مهم اینکه تعهد به معنای واقعی علم مخدوش شده است، بنابراین نیاز داریم فراسوی نمونه‌های ظاهری که در نظر گرفته می‌شود سرمایه‌گذاری جدی‌ای برای این موضوع داشته باشیم.

### ما باید صاحب‌گفت‌مان‌های علمی باشیم

**مجتبی عبدالخانی، استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی:**

بحث مهمی که وجود دارد همین تصویر ذهنی است که باید از مرجعیت علمی داشته باشیم . طبیعتا علم حقیقت‌جوست با این حال علم به تناسب بسترهای موجود رشد پیدا می‌کند. وقتی تعریف می‌کنیم که مرجعیت علمی باید چه جایگاهی داشته باشد باید به مزیت‌های نسبی خودمان نیز توجه کنیم. آنچه به‌عنوان مزیت نسبی ما مطرح شده این است که ما در فضای علم اسلامی به سر می‌بریم و در مقابل هم علوم انسانی بسیار زیاد با علوم اسلامی مرتبط است، همچنین در نگاه بسیار حداقلی مباحث اسلامی و مباحث غیرسکولار بر میانی فرانظری علم تاثیر می‌گذارد. موضوع دیگر اینکه در حوزه‌های دیگر می‌توانیم تئوری‌های برجسته‌ای مطرح کنیم؛ چراکه نظام فکری و تعالیم اسلامی دارای ایده و فراتر از ایده‌پردازی دارای تئوری منسجم است که استخراج و ارتباط آن با مسائل علوم انسانی و برطرف کردن مسائل اجتماعی یک مزیت نسبی برای ما به شمار می‌رود. اگر این مزیت خود را نادیده بگیریم می‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم. اما اگر در گفت‌مان مدرن فرار گرفتیم دلیل بر این نیست که خودمان هم گفت‌مان جدیدی ایجاد نخواهیم کرد. ممکن است در یک گفت‌مان مزیت نسبی نداشته باشیم اما وقتی صاحب یک گفت‌مان هستیم نباید فراموش کنیم برای تولید علم در این بستر می‌توانیم جهش‌های بسیار فوق‌العاده‌ای داشته باشیم.

ما علم را در مقوله‌ای دیگر با تزکیه و تذهیب می‌دانیم، یعنی اگر علم را نور بدانیم، طبیعتا این علم می‌تواند نگاه، تولید و اهداف متفاوتی را رقم بزند و این در بحث مرجعیت علمی بسیار مهم است زیرا می‌تواند ما را با یک مرجعیت علمی بی‌پدیل تبدیل کند. دانشگاه‌ها نیز باید به فلسفه علم توجه ویژه داشته باشند و متاسفانه ما در بررسی فلسفی علوم بسیار ضعیف هستیم. در بحث ارتباط علم با سیاستگذاری نیز می‌خواهم بگویم که اگر علم در مقوله سیاستگذاری نقشی نداشته و از طرف دیگر سیاستگذاری به علم و مرجعیت آن قائل نباشد، دچار نوعی از انتزاعی‌گری و سرخوردگی در مسائل علمی خواهیم شد. بنابراین اساتید و دانشجوی ما تمایلی به نظریه‌پردازی ندارد و به همین دلیل دچار ضعف بدنه کارشناسی نیز شده‌ایم. همچنین فضای علمی باید یک آزادی‌ای داشته باشد تا بتواند با گفت‌جوی آزاد تولیدات درستی کند. اما متاسفانه افراد سیاسی بالاتر از جامعه دانشگاهی، وجود فضای باز را مقابله با نظام ترجمه می‌کنند و همچنین باید از فساد علمی جلوگیری کنیم.

### عقب‌ماندگی اولین چالش حوزه مرجعیت علمی است

**ابراهیم بزرگر، استاد نمونه کشوری در سال ۱۴۰۰:**

وقتی از مرجعیت یک دانشگاه صحبت می‌کنیم یعنی آن دانشگاه پیشرو و از دیگر دانشگاه‌ها جلوتر حرکت می‌کند. درواقع مرجعیت در فاصله‌ای که بین ما و دیگری است تعریف و معطوف به دیگری می‌شود. مرجعیت به این معناست که ما سوار قطار علم شویم. طبیعی است که در مراحل اول مرجعیت مصداق پیدا نمی‌کند و البته این مساله یک پروسه طبیعی است، اما در عین حال یک پروژه هم باشد، زیرا ما می‌توانیم آرمان‌هایی را مشخص کنیم و آینده چیزی نیست که ما پیش‌بینی می‌کنیم؛ یعنی ممکن است به آن برسیم و ممکن است هیچ وقت آینده‌ای که مدنظر قرار داریم، محقق نشود. از این رو مرجعیت علمی ترسیم قله‌هایی در حوزه علم آن هم به معنای رسیدن به قله رفیع دانش در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. اولین چالش ما در این مسیر عقب‌ماندگی و دومین چالش مزاحمت ساختاری غرب است که غرب خودش را مالک علم می‌داند و با امکاناتی که دارد بهترین دانشمندان را از سراسر دنیا جذب می‌کند. در بخش راهبردها نیز باید به‌عنوان اولین گام سوار قطار علم شده و به ترتیب در مقام فهم، نقد، کاربرد و تولید قرار بگیریم.

### برای رسیدن به مرجعیت باید از عوام‌زدگی دوری کرد

**محمدحسن مومنی، استاد گروه فقه و حقوق دانشگاه علامه طباطبایی:**

مرجعیت علمی میراث به تاراج رفته است نه مساله‌ای که آرزو رسیدن به آن به معنای اینکه تا به حال تجربه‌اش نکرده‌ایم، داشته باشیم. ما در گذشته به مرجعیت علمی خود افتخار می‌کردیم. برای مثال در قرن سوم ایران، قطب جهانی علم بوده است، اما امروز برای دستیابی به مرجعیت علمی باید از عوام‌زدگی در شتاب‌زدگی و فرسودگی در دورانگاری در امان باشیم یعنی دستیابی به این مساله در پرتوی مهندسی مناسب امکان‌پذیر است. همچنین رسیدن به این نقطه را نباید آنچنان دور در نظر بگیریم که خود این دورانگاری نیز باعث فرسودگی و زوال انگیزه برای رسیدن به مقصد خواهد شد و نباید آنچنان در دسترس ببینیم که قطعا به عوام‌زدگی دچار شده و در این صورت توهم خودمرجع‌پنداری جایگزین مرجعیت اصیل می‌شود. یکی از چالش‌هایی که در مسیر مرجعیت علمی با

# مرجعیت علمی در نسبت با مسائل جامعه اتفاق می افتد

آن روبه‌رو هستیم امری است که جامعه علمی نسبت به هر پدیده و نظریه نو جبهه می‌گیرند. به همین دلیل باید این مقاومت‌ها در جهان را پیش‌بینی کرده و برای آنها راه‌حل داشته باشیم. همچنین ما باید پذیرش تکثر در وحدت زیست‌بوم خود را داشته باشیم به این معنا که مرجعیت علمی براساس توسعه و پیشرفت علمی اتفاق خواهد افتاد و این معنا با توجه به تکثر در علاقه، سلیق و فرهنگ‌های این کشور باید رخ دهد؛ اما این تکثر را باید در زیست‌بوم فرهنگی خودمان ببینیم و در غیر این صورت ممکن است ایران اسلامی تبدیل به ژاپن اسلامی شود.

### مرجعیت باید در پیوند با مسائل اجتماعی شکل بگیرد

**ابوالقاسم فاتحی، رئیس پژوهشکده تحول در علوم انسانی:**

مرجعیت علمی نیاز به یک نگاه منظومه‌ای دارد. در این جلسه از مرجعیت فردی و نهادی نیز صحبت شد. باید به این مساله اشاره کنم که فارابی زمانی که با تمدن یونان مواجه شد، برخورد بسیار عادلانه‌ای کرد و این برخورد با زبان امروز می‌تواند مینا قرار گیرد. علم مالکیت خصوصی ندارد و اگر می‌خواهیم مرجعیت علمی داشته باشیم باید دانش جدید تولید کنیم، خلاقیت علمی داشته و توانایی حل‌مساله داشته باشیم. مقام معظم رهبری نیز در سال ۸۴ بیان کردند که نباید صرفا مقلد باشیم. به نظر من مرجعیت علمی یک نوع ظهور علمی است که همه متوجه آن می‌شوند و بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارد. همچنین این مساله با آزاداندیشی گره خورده است. مرجعیت علمی باید در پیوند با مسائل اجتماعی شکل بگیرد، نمی‌شود از مرجعیت علمی حرف بزنیم اما هنوز دچار چالش‌های اقتصادی باشیم. امیدواریم که یک نوع همدلی در حوزه مرجعیت علمی به‌دست بیاید تا به شاخص‌های مشترک برسیم و از این طریق به کمک اساتید و جامعه دانشگاهی آرام‌آرام طی فرآیندهایی به مرجعیت علمی دست پیدا کنیم.

### نباید مرجعیت علمی را دست‌نیافتنی جلوه داد

**علی خاکساری، استاد برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی:**

نباید مرجعیت علمی را دست‌نیافتنی جلوه دهیم. هر کدام از اساتید در دانشگاه‌ها مقاله‌هایی نوشته‌اند و مرجع هستند. بسیاری از دانشجویهای من در دانشگاه‌های خارج از کشور تدریس می‌کنند و اساتید بسیار خوبی هستند. باید قدر منابع، اساتید و پژوهشگرانی که در کشور حضور دارند را بدانیم و در همایش‌ها بیان کنیم که ما مرجعیت‌های زیادی داریم. دانشگاه نمی‌تواند مرجع باشد، بلکه مرجعیت به فرد می‌رسد. همچنین مرجعیت سفارشی نیز تحقق پیدا نمی‌کند. کافی است که ما اساتید انگیزه دهیم اما وقتی اساتید جوان ما نمی‌توانند اجاره‌خانه پرداخت کنند چطور انتظار داریم به فکر مرجعیت باشند؛ هرچند همین افراد نیز سعی دارند مسئولیت خود را به‌خوبی انجام دهند. پس از آن باید به مزیت نسبی پردازیم. تفکر اینکه ما باید در تمام رشته‌ها و حوزه‌ها مرجعیت داشته باشیم غلط است، بلکه در برخی رشته‌ها مزیت بیشتری داریم پس باید در همان حوزه‌ها تمرکز کنیم. همچنین ما باید سرعت پیشرفت علم خود را با دنیا هماهنگ کنیم زیرا ساعت زمان نداریم که دنیا را نگه‌داریم تا خودمان به سطح مطلوب برسیم. دانشجو است که استاد را مرجع کرده ولی هر سال حضور دانشجو در دانشگاه کاهش پیدا می‌کند.

### در حوزه مرجعیت علمی نیازمند داشتن نظام حکمرانی هستیم

**هادی خان‌محمدی، استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبایی:**

در حوزه مرجعیت علمی شناسایی معانی مختلف در این حوزه حائز اهمیت است. تولید و جهش علمی درحالی‌که با یکدیگر مرتبط هستند اما دارای استقلال معنی نیز خواهند بود. شاید درست این است که می‌گوییم جنس مرجعیت علمی سیاستگذاری است، یعنی باید وارد لایه سیاستگذاری شویم. همچنین از واژه مرجعیت تلقی‌های مختلفی صورت گرفته که باید برطرف شود تا تلقی‌ای درست مینا قرار گیرد. آن چیزی که من از گزارش‌های وزارت علوم متوجه شده این بود که در دو سال اخیر هیچ جهش علمی‌ای رخ نداده است. در حوزه مرجعیت دچار دوگانگی هستیم که آن را برطرف نکرده‌ایم. در همین باره باید بگویم یکی مفهوم رقابت‌پذیری و دیگری اثرگذاری است. اراده علمی ناظر به حوزه اثرگذاری و رفننس به معنای واقعی است اما توان اداری ما به‌سمت رقابت‌پذیری حرکت کرده که در تقابل این دو رقابت‌پذیری موفق بوده، اتفاقی که عملا مرجعیت‌سوزی را به‌دنبال داشته است. درحال‌حاضر مرجعیت علمی با این تقابل‌ها و دوگانگی‌ها تبدیل به بحران شده است. ما در حوزه مرجعیت علمی نیاز به نظام حکمرانی داریم.

## فرهنگ‌نخبگان

# دانشگاه

پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۲

شماره ۹۰۹۰۴

www.fdn.ir

farihikhtegandaily